

واکاوی شاخصه‌های انقلابی بودن از منظر مقام معظم رهبری

خدیجه احمدی بیفش^۱

دکتر طاهره محسنی^۲

چکیده

انقلاب اسلامی یک انقلاب دینی و دارای اصول، آرمان و اهداف بوده که بر گرفته از اسلام ناب محمدی^۵ است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به معنای پایان یافتن انقلاب نیست، بلکه انقلاب در گام اول خود پیروز شد و حرکت انقلاب، به عنوان الگو سایر کشورها، بایست برای تحقق آرمان‌ها و اهداف والای آن بر اساس اصول ادامه پیدا کند که اکنون باگذشت قریب به چهار دهه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، در میانه راه قرار دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای پس از رحلت حضرت امام^۶ و پذیرش امر ولایت، اموری همچون پایبندی به اصول اسلام ناب، حفظ استقلال، تقوای دینی و سیاسی و... را به عنوان شاخصه‌های انقلابی بودن، مکرر بیان کرده‌اند. شاخصه‌هایی که شناخت تحلیلی و توصیفی آنها، سبب رشد فضایل اخلاقی در جامعه شده و روحیه انقلابی ماندن را به همراه خواهد داشت و جامعه را از خطر انقلاب زدایی و ایجاد دو قطبی کاذب، در امان می‌دارد. واژگان کلیدی: شاخصه، آیت‌الله خامنه‌ای، انقلابی بودن، انقلابی ماندن، انقلاب زدایی، دو قطبی کاذب

^۱ مدرس حوزه و دانشگاه و طلبه سطح چهار (دکتری) مرکز مدیریت حوزه های علمیه
خاوران

^۲ مدرس دانشگاه امام صادق ^۷

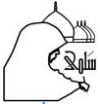


فصلنامه علمی،

شماره نهم / پاییز ۱۳۹۶

واژگان «انقلابی بودن» و «انقلابی ماندن» از همان روزهای مبارزات انقلابی در بین مردم رواج داشت و با بیانات امام خمینی^ع در مقاطع و اجتماع‌های مختلف در مورد عوامل پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن استخراج ویژگی‌های شخصیت انقلابی از این بیانات، رنگ و بوی دیگری به خود گرفت تا ناهلان آن روزگار به نام انقلابی بودن، دایره جذب نظام را تنگ‌تر نکنند؛ تهدیدی که بعضاً نظام جمهوری اسلامی را بعد از گذشت ۳۷ سال از پیروزی انقلاب اسلامی تهدید می‌کند.

آنچه در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی سبب ماندگاری و بقای انقلاب شده، وجود نیروهای مؤمن به انقلاب است که به‌رغم گذر نسلی، توانسته‌اند شادابی و روحیات انقلابی بودن خود را حفظ کنند؛ زیرا حفظ انقلابی بودن، منجر به انقلابی ماندن نیز خواهد شد که البته انقلابی ماندن مهم‌تر از انقلابی بودن است. اما از آنجایی که این نیروها، با هجمه‌های بیرونی و چالش‌های درونی مواجه‌اند، بنابر این می‌توان نگرانی «انقلاب‌زدایی» را درک کرد. از یک‌سو دشمنان بیرونی و عوامل داخلی آن‌ها، تلاش دارند با القابی نظیر «تندرو» و یا «افراطی‌گری» و بهره‌گیری از عنصر نفوذ و جنگ نرم، نیروهای مؤمن به انقلاب را منفعل و در جامعه منزوی کنند و از سوی دیگر غفلت شخصیت‌ها و نهادهای اثرگذار نظیر حوزه‌های علمیه، نهادهای انقلابی در آموزش و تربیت نسل‌های جدید و یا حتی حفظ این روحیات در نسل‌های قدیمی، سبب کم‌رنگ شدن و یا کم‌فروغ شدن نور انقلاب می‌شود و آنگاه است که می‌توان خطر انحراف را جدی گرفت. در این شرایط است که می‌توان اهمیت بیان آیت‌الله خامنه‌ای در تأکید بر اصول «انقلابی بودن»، «انقلابی ماندن»، «انقلابی فکر کردن» و «انقلابی عمل کردن» را به‌درستی درک کرد. اکنون این سؤال باقی است که شاخصه‌های انقلابی بودن که موجب انقلابی ماندن نیز شده، و جامعه را از خطر دو قطبی شدن نجات خواهد داد، کدام است؟



برای واکاوی این سؤال، به مذاقه تحلیلی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته، و درباره شاخصه‌های انقلابی بودن و انقلابی ماندن، کنکاش می‌شود تا با بهره‌گیری از رهنمودهای ایشان، جامعه را از خطر انقلاب زدایی مصون بداریم.

مفهوم شناسی

برخی از مهم‌ترین مفاهیم این تحقیق عبارت‌اند از:

انقلاب در لغت و اصطلاح

انقلاب در لغت برگشتن از حالی به حالی، دگرگون شدن، تغییر و تحول است، زیر و رو شدن یا پشت و رو شدن و نظیر این معانی است. (دهخدا، ۱۳۴۶، ص ۴۳۱) قرآن مجید هم این کلمه را به همین معنا به کار برده است. ماده انقلاب تقلیب، منقلب، ینقلب و امثال اینها در قرآن آمده است. به‌عنوان نمونه خداوند در آیه ۱۴۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»

و در اصطلاح تلاش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت و ایجاد حکومتی نو، به منظور تغییرات اساسی و بنیادین در تمام نهادها، مناسبات ساختار سیاسی و اجتماعی و جایگزینی سازمان نوین و مطلوب در چهارچوب اهداف و آرمانهای خاص. (بادامچیان، ۱۳۷۴، ص ۱۸)

انقلاب نوعی عصیان و طغیان است علیه نظم موجود و وضع حاکم، به منظور برقراری نظم و وضعی دیگر و آرزو و طلب وضعی دیگر. صرف نارضائی از وضعی و آرزوی وضعی دیگر کافی نیست بلکه انکار و نفی حاضر ضروری است. همچنان‌که طلب و جستجو و تلاش و جهاد برای وضعی دیگر ضرورت دارد. تنها آن ایدئولوژی می‌تواند مفید، انقلابی و راهگشا باشد که عنصر انکار، نفی و طرد در متن تعلیماتش قرار گرفته باشد. (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۳۶۱) بنابراین تعاریف فوق انقلاب را می‌توان چنین دانست: تغییر بنیادها

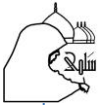


ونظام اجتماع، نوگرایی، آرمان خواهی خشونت سیاسی یا نظامی در مقابل نظام حاکم.

مفهوم انقلابی بودن

انقلابی بودن یعنی آمادگی، تاموری که از اساس، دچار اشکال هستند رادگرگونی اسلامی کند. مثلاً ساختارهای غیرسالم، رویه‌های غیرسالم، نهادهای غیرسالم، علوم غیرسالم، فرهنگ غیرسالم، سیاست خارجی غیرسالم و دیگر.

آیات قرآن کریم دربارهٔ انقلابی بودن مفهوم خاصی استفاده می‌کند که مکرر هم مورد تأکید قرار گرفته، مفهوم جهاد است. خداوند متعال در قرآن کریم حتی در شرایطی هم که جنگ نباشد، دستور "جاهدوا" صادر می‌کند. اگر شرایط بحرانی خاصی هم نباشد، می‌فرماید: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء/۹۵) آن‌هایی که در راه خدا مجاهده می‌کنند، همیشه تحسین می‌شوند، و برتر قرار می‌گیرند. جهاد در قرآن به جنگ مسلحانه و مواجهه رودررو محدود نمی‌شود و معنای وسیع‌تری دارد. اینکه انسان نسبت به بسیاری از حق‌ها و باطل‌هایی که در اطرافش هست، معترض و تحول‌خواه باشد. با چنین رویه‌ای مفهوم جهاد تحقق پیدا می‌کند. مفهوم جهاد به مفهوم انقلابی بودن نزدیک است. این آیه از قرآن در توصیف روحیهٔ جهادی و انقلابی است: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج/۷۸). این آیه، بیانگر شعار و حس یک انقلابی است. این آیه حدّ انقلابی بودن را شایستگی خداوند متعال ذکر کرده. چه کسی می‌تواند به این حد برسد؟ خدا با این آیه، آتش مداومی از روحیه جهاد را در دل انسان می‌اندازد. آتشی که می‌توان از آن به روحیه جهادی یا روحیه انقلابی تعبیر کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۶۵-مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۰۹)



دوقطبی کاذب

قطب‌بندی، تنها به معنای اختلاف دیدگاه و انتقاد داشتن گروهی به گروه دیگر نیست. قطب‌بندی هنگامی رخ می‌دهد که این اختلاف به نزاع، درگیری و تقابل بینجامد و با تحریک احساسات طرفداران و حامیان، آن‌ها را علیه گروه دیگر تحریک کنیم. در قرآن کریم به صراحت نفی دوقطبی‌های نامطلوب را ملاحظه می‌کنیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳) پس دوقطبی مبتنی بر نژاد، جغرافیا، تفاوت ظاهری و... از سوی اسلام نفی و تقبیح شده است.

در میان جامعهٔ مسلمانان نیز مقابله با گروه‌های «باغی» و «برهم‌زنندهٔ امنیت»، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که آن هم در چارچوب‌های مشخص شده در شرع و قانون تعریف می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص دسته‌بندی مرسوم «اصول‌گرا» و «اصلاح‌طلب» سعی بر استفاده از ظرفیت این دو گروه برای رقابتی سالم، جهت پیشرفت و ارتقای کشور دارند، تا از ایجاد اختلاف و درگیری و نزاع میان افراد این دو طیف جلوگیری شود و جامعه از خطر ایجاد دو قطبی کاذب در امان باشد: «دو جناح برای کشور، مثل دو بال‌اند که کشور با این دو بال می‌تواند پرواز کند. دو جناح مقابل در مجموعهٔ نظام می‌توانند باشند و فعالیت کنند، ولی شرطش این است که به قانون اساسی وفادار باشند. این‌ها بر کار هم نظارت می‌کنند، با هم رقابت سالم می‌کنند. بنده دعوی اصلاح‌طلب و اصول‌گرا را هم قبول ندارم. من این تقسیم‌بندی را غلط می‌دانم. نقطهٔ مقابل اصول‌گرا، اصلاح‌طلب نیست. نقطهٔ مقابل اصلاح‌طلب، اصول‌گرا نیست. نقطهٔ مقابل اصول‌گرا، آدم بی‌اصول و لابالی است؛ آدمی که به هیچ اصلی معتقد نیست، آدم هرهری مذهب است... نقطهٔ مقابل اصلاح‌طلبی، افساد است. بنده معتقد به اصول‌گرایی اصلاح‌طلبیم؛ اصول‌متین و متقنی که از مبانی معرفتی اسلام برخاسته، با اصلاح روش‌ها به صورت روزبه‌روز و نوبه‌نو.» (بیانات آیت‌الله



خامنه‌ای (۱۳۸۴/۲/۱۹) ایشان این دوقطبی شکل گرفته را با اصطلاح «اصول‌گرایان اصلاح‌طلب» و «اصلاح‌طلبان اصول‌گرا» نفی کرده و شاخصهٔ انقلابی بودن را مطرح می‌کنند.

پیشینه انقلابی بودن در طول تاریخ اسلام

حضرت محمد ص بزرگ‌ترین انقلاب‌گر و یک انقلابی تمام‌عیار بود که به منظور تحقق خواسته‌های جاودانه بشر یعنی آزادی، عدالت، مساوات و یگانگی، اخلاق، رشد و کرامت فردی آدمیان، صلح و صفا بین انسانها و برای برانداختن شرک نظری و عملی برانگیخته شد. او خود در دوران کوتاه بعثت نمونه‌ای مشهور و مطلوب از جامعه اسلامی پدید آورد اما پس از رحلت او، میراث و راهش دچار تزلزل و پس از آن گرفتار انحطاط و انحراف شد، از همان اولین ساعات انحراف، عده‌ای برای جلوگیری از آن، گاه به صورت مسالمت‌آمیز و گاه بسیار خونین و خشن، گاه به صورت فردی و گاه جمعی در تمام جهان اسلام و در طول چهارده قرن به انقلاب و اصلاح پرداختند، اعتراض‌های پنهان و آشکار حضرت فاطمه η و حضرت امام علی φ و بسیاری از اصحاب متقی پیامبر ص در آغاز و جنبشهای فکری، سیاسی، انقلابی امامان در ادامه و پیدایش نهضت‌های زیدیان و اسماعیلیان و سربداران استمرار همان انقلاب عظیم اولیه است. نکته مهم این است که این حرکتهای از همان آغاز تحت عنوان اصلاح (رiform) انجام شده است و به همین جهت شخصیت بزرگ انقلاب امام حسین φ هدف اساسی قیامش را اصلاح در دین‌جسش می‌داند.

تعمق در انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ شمسی به وقوع پیوست نشانگر این است که ویژگی‌های اسلامی بودن، معنویت‌گرایی، مردمی بودن، و رهبری امام خمینی ε با اهداف نفی استبداد و سلطه بیگانگان، نفی وابستگی، عدالت اجتماعی، ایثار و فداکاری و استقرار حکومت اسلامی بر سیاست‌های ضد دینی، فساد سیاسی اجتماعی، تبعیض و



بی‌عدالتی بر رژیم طاغوتی و وابسته سابق پیروز شده است. (مردی‌ها، ۱۳۸۵، ص ۳۹)

اندیشه انقلابی آیت‌الله خامنه‌ای، تبلور آرمان‌های انقلابی امام خمینی^ع اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه انقلابی بودن و انقلابی ماندن، همچون سایر زمینه‌ها متأثر از اندیشه‌های و آرمان‌های امام خمینی^ع است که از تعالیم اسلام ناب محمدی^ص نشات می‌گیرد. ایشان در معرفی امام انقلابی و راه ایشان، می‌فرمایند: «امام خمینی "مؤمن متعبد انقلابی" بوده چراکه امام بزرگوار، مؤمن به خدا، مؤمن به مردم، مؤمن به هدف و مؤمن به راهی بود که او را به این هدف می‌رساند. امام، "امام انقلابی" بود و همین صفت علت اصلی عصبانیت قدرتهای مادی از ایشان است. قدرت‌ها از کلمه انقلاب و انقلابی بودن ملت ایران به شدت هراس دارند و علت اصلی فشارهایی که در طول سال‌های متمادی با بهانه‌های مختلف از جمله موضوع هسته‌ای و حقوق بشر به ملت وارد شده است، خصوصیت انقلابی بودن ملت ایران و نظام اسلامی است.

خارج شدن ایران از کنترل قدرتها، نظام اسلامی را به الگوی الهام بخش ملتها تبدیل کرده است و در اینجا مسئله اساسی این است که امام انقلابی، کشور را از بسیاری از منجلا ب‌ها از جمله منجلا ب‌های وابستگی، فساد سیاسی، فساد اخلاقی، حقارت بین‌المللی، عقب ماندگی‌های علمی، اقتصادی و فناوری و آقا بالا سری امریکا و انگلیس، نجات داد و در مسیر حرکت کشور و ملت، تغییری بزرگ ایجاد کرد. انقلاب و انقلابی بودن برای همه دورانهاست و انقلاب یک رود جاری است و همه کسانی که بر اساس شاخصهای انقلابی عمل کنند، انقلابی هستند حتی جوانانی که امام^ع را هم ندیده باشند. باید توجه داشت طرز تفکری که انقلابی‌گری را مساوی افراطی بودن می‌خواند، و مردم را به «تندرو» و «میانه‌رو» تقسیم می‌کند یکی از خطاها بوده و چنین دو گانه‌هایی که سوغات بیگانگان و سخن دشمنان است نباید وارد فرهنگ سیاسی کشور شود. خطای دیگر در موضوع



انقلابی بودن و انقلابی گری، توقع داشتن یک میزان انقلابی بودن از همه کسانی که در مسیر شاخصها و جهت گیری‌های انقلاب حرکت می‌کنند و اصل بر این است که شاخصه‌های انقلابی گری وجود داشته باشد. ممکن است فردی نسبت به مفاهیم انقلاب و عمل انقلابی، بهتر حرکت کند و فرد دیگری با شدت و جدیت او حرکت نکند اما هر دو انقلابی هستند و نمی‌توان هر فردی را که در مسیر شاخص‌های انقلاب قرار دارد اما خوب حرکت نمی‌کند، متهم به غیرانقلابی گری و ضد انقلاب بودن، کرد.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

شاخصه‌های انقلابی بودن در کلام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود به تشریح شاخص‌های انقلابی بودن پرداخته و تأکید دارند که: «این شاخص‌ها اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است؛ حالا درجات انقلابی بودن، مختلف است.»

پایبندی به ارزش‌ها و مبانی اساسی انقلاب

اولین ویژگی یک فرد انقلابی که آیت‌الله خامنه‌ای بدان اشاره کردند "پایبندی به ارزشها و مبانی اساسی انقلاب" است. مبانی اساسی انقلاب از دید ایشان عبارت‌اند از:

التزام به اسلام ناب درمقابل اسلام آمریکایی

اعتقاد به اسلام ناب درمقابل اسلام امریکایی، اصلی‌ترین نکته این شاخص است. منظور از اسلام ناب محمدی (ص) همان اسلام حقیقی و اصیلی است که از پیامبر اکرم (ص) بی‌هیچ پیرایه‌ای به علی (ع) و سپس به ائمه معصومین (ع) بعدی منتقل شده و از آن بزرگواران نسل به نسل و دست به دست گشته تا به ما رسیده است. (سالاری، ۱۳۹۲، ص ۷۶)

سیدقطب، اولین کسی بود که از اسلام آمریکایی گفت: «آمریکایی‌ها نیازمند اسلام هستند. آن‌ها اسلامی می‌خواهند که در خاورمیانه با کمونیست مبارزه کند نه اسلامی که با استعمار و خودکامگی بستیزد. آن‌ها



اسلامی را که حکومت کند نمی‌خواهند، چراکه وقتی اسلام حکومت یافت؛ امتی تربیت می‌کند که برای آن‌ها قدرتمند شدن و نفی استعمار واجب است؛ چه استعمار کمونیست چه استعمار آمریکا.» (سید قطب، ۱۳۷۰، ص ۴۸) در واقع اسلام امریکایی دو شاخه «اسلام متحجر» و «اسلام سکولار» دارد که استکبار از هر دو شاخه حمایت می‌کند. (زاهدی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲) نخستین بار امام خمینی^ع اسلام ناب محمدی^ص را نقطه مقابل اسلام آمریکایی، بیان و این اصطلاح را وارد قاموس سیاسی دنیای اسلام کردند. (بیانات امام خمینی^ع در تاریخ ۶۸/۱/۱۸)

امام خمینی^ع معرفی نادرست اسلام را علت اصلی عقب ماندگی مسلمانان و تسلط استعمارگران غربی در جوامع اسلامی می‌دانستند. در نظر ایشان اسلام دینی جامع است که برای انسان «پیش از آنکه نطفه‌اش منعقد شود تا پس از آن که به گور می‌رود قانون وضع کرده است و همان‌گونه که برای وظایف عبادی قانون دارد برای امور اجتماعی و حکومتی نیز قانون دارد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۵) ایشان می‌فرمایند: «باید تلاش کنیم زهد و قدس اسلام ناب محمدی^ص را از زنگارهای تقدس مابی و تحجر گرایی اسلام آمریکایی جدا کرده و به مردم مستضعفان نشان دهیم.» (صحیفه ج ۲۱ ص ۲۱) «برای اجرای احکام اسلام به حکومت نیاز است و اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و مبارزه در راه آن جزئی از اعتقاد به ولایت است. (همان ص ۱۱)

آیت‌الله خامنه‌ای نیز یکی از مبانی اساسی انقلاب را چنین برمی‌شمرند: «مبنای اول، پایبندی به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است. اسلام آمریکایی هم دو شاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجر، یک شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام آمریکایی است. استکبار و قدرتهای مادی از هر دو شاخه^و (اسلام آمریکایی) پشتیبانی کرده‌اند و می‌کنند؛ یک جاهایی آنها را به وجود می‌آورند، یک جاهایی آنها را راهنمایی می‌کنند، یک جاهایی آنها را



کمک می‌کنند. اما برای گرفتار نشدن در دام اسلام آمریکایی باید اسلام ناب و اصیل را شناخت.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

آیت‌الله خامنه‌ای که بارها در مورد ویژگی‌های اسلام راستین سخن گفته‌اند، در این باره می‌فرمایند: «اسلام ناب اسلامی است که همه جانبه است؛ از زندگی فردی و خلوت فردی تا تشکیل نظام اسلامی، همه را شامل می‌شود. اسلام ناب آن اسلامی است که هم تکلیف من و شما را در خانواده با خود و در خلوت شخصیمان معین می‌کند، هم تکلیف ما را در جامعه معین می‌کند، هم تکلیف ما را در قبال نظام اسلامی و ایجاد نظام اسلامی معین می‌کند؛ این اسلام ناب است. این یکی از مبانی است که باید به این پایبند بود.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۸۲/۲/۲۰)

با توجه به بیانات ایشان، اسلامی که آتش تفرقه میان مسلمین را دامن بزند، به جای اعتماد به وعده الهی، به دشمنان خدا اعتماد کند، به جای مبارزه با صهیونیسم و استکبار با برادر مسلمان بجنگد، با آمریکای مستکبر علیه ملت خود یا ملت‌های دیگر متحد شود، اسلام نیست؛ نفاق خطرناک و مهلکی است که هر مسلمان صادقی باید با آن مبارزه کند.

مردمی بودن

مهم‌ترین جنبه یک حکومت مردمی بودن آن است که نقش پشتوانه را اجراء می‌کند و مردم با اعتبار یافتن و شرکت در امور، نقش واقعی خود را می‌یابند. خداوند در قرآن خطاب به پیامبر ۵ فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال/۶۴) ای پیامبر، خداوند و مؤمنان که از تو پیروی می‌کنند برای حمایت تو کافی است و با کمک آنان می‌توانی به هدف خود نائل شوی.» (قرائتی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۵۲) در روایات بسیاری نیز، یکی از ملاک‌های مشروعیت حکومت راه، به مردمی بودن آن می‌دانند. مانند روایتی از امام علی ۶ که می‌فرماید: «پیامبر ۵ به من فرمود: ای پسر ابیطالب! ولایت بر امت من برای تو است؛ پس اگر در سلامتی (و آرامش) به ولایت تو راضی شدند و بر تو اجماع کردند به امور آنان قیام کن؛ و اگر بر تو



اختلاف کردند، پس آنان را به خودشان واگذار کن تا خداوند برای تو راه خروجی قرار دهد.» (ابن طاوس، ۱۳۴۱، ص ۲۴۸)

اعتقاد عمیق به محور بودن مردم، از دیگر مبانی اساسی انقلاب اسلامی است. در نظام اسلامی، رأی، خواست، اهداف و منافع مردم اصل است و اعتقاد واقعی به این حقایق، از ضروریات انقلابی بودن است. این انقلاب را مردم به وجود آورده و تداوم بخشیده‌اند و خود آینده‌آنها را رقم می‌زنند. (نشریه حکومت اسلامی، ۱۳۸۷، ش ۱، ص ۱۰) مردمی بودن، بارزترین ویژگی انقلاب اسلامی ایران است که در کمتر انقلابی نظیر آن وجود دارد، به گونه‌ای که همه ملت ایران در شهر و روستا، از کوچک و بزرگ، زن و مرد در آن مشارکت داشتند. بر خلاف انقلاب‌های بزرگ دنیا که طبقات خاصی از جامعه در آن نقش آفرینی کردند. آیت‌الله خامنه‌ای در بیان دلیل این که مردم صاحبان اصلی نظام و انقلابند این گونه می‌فرماید: «مردم صاحبان این نظام هستند به چند دلیل؛ اولاً چون اسلام بیشترین حق را در اداره نظام‌های اجتماعی به مردم می‌دهد و هر دستگاه حاکم را یک دستگاه خدمتگزار برای مردم می‌داند. ثانیاً چون مردم تشکیل دهندگان و به وجود آورندگان این نظام بودند زیرا این نظام مبتنی بر یک انقلاب بود و آن انقلاب را مردم به وجود آوردند. ثالثاً چون دخالت و نظارت مردم بیشترین تضمین را برای حفظ این نظام از انحراف می‌کند.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۷۱/۴/۲۲)

ایشان در این زمینه با تعبیر دقیق‌تر می‌فرمایند: «وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را، با اسلام همراه می‌کنیم، ترکیب آن می‌شود جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی این مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدفها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ این‌ها مردمی بودن است: رأی مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن مبانی است و به معنای واقعی کلمه باید به



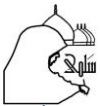
این معتقد بود. «بیات آیت‌الله خامنه‌ای (۱۴/۳/۱۳۹۵) حکومتی که بر اساس چنین شاخصه‌ای بنا شود نه تنها انقلابی است، بلکه انقلابی خواهد ماند.

اعتقاد به پیشرفت، تحول و تکامل

توسعه و تحول در معنای جامع، فرایند پیچیده‌ای است که رشد کمی و کیفی تولیدات، خدمات و تحول کیفیت زندگی، بافت اجتماعی جامعه، تعدیل درآمدها، زدودن فقر و محرومیت و بیکاری، تأمین رفاه همگانی، رشد علمی و تکنولوژی درون‌زا در یک جامعه معین را در برمی‌گیرد (گلایی، ۱۳۶۸، ص ۲)

اعتقاد به پیشرفت، تحول و تکامل، مبنای دیگر انقلاب اسلامی است که فردانقلابی نیز به این ارزش اعتقاد دارد و هر روز در پی تحول و بهتر شدن اوضاع است. امام صادق (ع) در مورد پیشرفت انسان‌ها می‌فرماید: «آن که پیشرفت را در خود نبیند، به نقصان نزدیک‌تر است و هر که به نقصان نزدیک‌تر باشد، مرگ از زندگی برایش بهتر است.» (ابن بابویه، ۱۳۷۰، ص ۷۶۶) آیت‌الله خامنه‌ای در بارهٔ این اصل انقلاب چنین توضیح می‌دهند: «هم فقه ما، هم جامعه‌شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روشهای گوناگون ما، باید روز به روز بهتر بشود، منتها به دست آدمهای خیره، به دست آدمهای وارد، به دست انسانهای اهل تعمق و کسائی که اهلیت ایجاد راه‌های نو را دارند.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۴/۳/۱۳۹۵)

ایشان همچنین می‌فرمایند: «تحول، سنت الهی است در زندگی بشر. با او سینه به سینه نباید شد؛ از او استقبال باید کرد. باید تحول را مدیریت کرد، تا به پیشرفت بینجامد؛ جامعه را پیش ببرد ... امروز علاوه بر این که خود تشکیل نظام جمهوری اسلامی یک تحول بزرگ، یک پیشرفت شگفت‌آور و عظیم بود که یک حکومت موروثی کودتائی فاسد و ابسته را، یک ملتی بتواند تبدیل کند به یک حکومت مردمی، که هیچ تحولی از این بالاتر نیست و خود این، بزرگ‌ترین تحول و بزرگ‌ترین پیشرفت بود.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۸۶/۲/۲۵)



فرد انقلابی به این ارزش نیز اعتقاد دارد و هر روز در پی تحول، پیشرفت و بهتر شدن اوضاع است.

حمایت از محرومان در هر نقطه عالم

حمایت از محرومان و اقشار ضعیف و حمایت از مظلومان جهان نشانگر انقلابی بودن، یعنی پایبندی به اصول و مبانی انقلاب است. اگر این پایبندی و استقامت وجود داشت، حرکت مسئولان و نظام در تندباد حوادث نیز، مستقیم و مستحکم خواهد بود، و گرنه به «عمل‌گرایی افراطی» دچار می‌شویم و با هر حادثه‌ای، مسیر و جهت حرکت عوض می‌شود. حضرت علی (ع) در نامه به مالک اشتر فرمودند: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا وَاحْفَظِ [اللَّهُ] لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ: خدا را! خدا را! دربارهٔ طبقه پایین جامعه در نظر داشته باش؛ کسانی که راه چاره‌ای ندارند، از تهیدستان و نیازمندان و گرفتاران و زمین‌گیران. در میان آنان افراد قانع و اهل اعلام نیاز وجود دارند، حق الهی را که از تو خواسته است؛ دربارهٔ آنان پاس‌بدار و بخشی از بیت‌المال [حکومت] را برای آنان قرار ده.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

آیت‌الله خامنه‌ای در توضیح این امر می‌فرماید: «یکی از مبانی اساسی و ارزشهای اساسی نظام اسلامی عبارت است از حمایت از محرومان در هر نقطهٔ عالم. این‌ها ارزشهای اساسی انقلاب است؛ از این‌ها نمی‌شود صرف‌نظر کرد. اگر کسی، کسانی یا جریانی نسبت به محرومین بی‌تفاوت باشد، یا نسبت به مظلومان عالم بی‌تفاوت باشد، این شاخص در او وجود ندارد.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴) همانطور که ملاحظه می‌شود، ایشان به پیروی از تعالیم اسلام، حمایت از محرومان، محدود به سرزمین خاصی نکرده‌اند بلکه آن را شامل همه عالم دانسته‌اند.



همت بلند برای رسیدن به آرمان‌های انقلاب

داشتن همت بلند، ثبات، پایداری و تحمل سختی‌ها و ناملايمات در راه اهداف متعالی، انسان را در برابر تندبادهای ویرانگر، مقاوم می‌سازد و در اثر این علوّت همت، به شیاطین درون و برون، پشت پا می‌زند. توصیه قرآن به مؤمنان این است که بر خدا توکل کنند، تنها ولایت او را بپذیرند و از غیر خدا هراسی به خود راه ندهند. خداوند برای مؤمنی که سلطه بیگانه را بپذیرد، کرامت و شخصیتی قائل نیست. (آل عمران/آیه ۲۸) پیامبر اکرم ۵ نیز می‌فرماید: «الاسلام یَعْلُو و لا یُعْلَى عَلَیْهِ و الْكُفَّارُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى لَا یَحْجِبُونَ و لا یُورَثُونَ: اسلام برتر است و بر آن چیزی برتری نخواهد یافت و کافران به منزله مردگان می‌باشند و مانع از ارث نمی‌باشند و ارث نیز نمی‌برند.» (ابن بابویه، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۱۲۳-حرعاملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۴۵)

قرآن کریم از ولایت دشمنان خدا (ممتحنه ۱)، دوستی غیر مؤمنان (آل عمران/۱۱۸) و ولایت‌پذیری کفار (نساء/۱۳۹-مائده/۵۱-برائت/۲۳-ممتحنه ۹) و منافقان به شدت نهی می‌فرماید، برای این است که در چنان ولایت‌هایی، چون ارزشها حاکم نیست، عزتی وجود ندارد. پس عزت در سایه تحکیم ارزشها حاصل می‌شود و حاکمیت ارزشها بدون حکومت دینی، قابل پیاده‌سازی و اجرا نمی‌باشد.

در همین راستا دومین شاخص انقلابی بودن که آیت‌الله خامنه‌ای برمی‌شمارند، همت بلند برای رسیدن به آرمانهای انقلاب است. بی شک، برای رسیدن به اهداف بزرگ، اراده، همت و تلاش مضاعف لازم است، وگرنه هدف اگرچه متعالی باشد، دست نیافتنی خواهد بود. ایشان در این باره می‌فرمایند: «هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمانهای بلند؛ تسلیم نشویم در مقابل فشارها. البته شما وقتی که در یک راهی می‌روید که دشمنی بر سر آن راه هست، برای شما مانع ایجاد می‌کند؛ (اما) این بایستی مانع نشود از رفتن شما، از ادامه حرکت شما؛ تسلیم فشارها نشویم، رضایت به وضع موجود ندهیم، که اگر رضایت به وضع موجود دادیم



نتیجه‌اش عقب‌گرد است.» آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه پیشرفت‌های بزرگ علمی ایران را در سالهای اخیر مثال زده و تأکید می‌کنند: «اگر به همین اندازه قانع شدیم، عقب خواهیم ماند؛ عقب خواهیم رفت؛ نه، راه پیشرفت تمام شدنی نیست؛ باید رفت تا رسید به آرمانهای بلند.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

نباید از پیگیری اهداف بزرگ انقلاب و مردم، در هیچ موضعی، منصرف شد یا به وضع موجود رضایت داد. "تنبلی، محافظه کاری و ناامیدی" نقطه مقابل این شاخص بوده و راه پیشرفت، تمام نشدنی است و باید با انقلابی‌گری، مدام در این مسیر حرکت کرد.

پایبندی به استقلال کشور

شاخصه مهم دیگر که آیت‌الله خامنه‌ای برای انقلابی بودن ذکر می‌کند، پایبندی به استقلال در سه بُعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر این ویژگی، نشان دهنده اهمیت ویژه این شاخصه می‌باشد.

بُعد استقلال سیاسی

استقلال سیاسی در علوم سیاسی، به معنای جدا بودن حاکمیت یک کشور از دیگر کشورها از نوع سلطه و سیادت خارجی تعریف کرده‌اند. استقلال سیاسی به معنای این است که دولت دیگری بر دولت اسلامی سلطه و چیرگی نداشته و نتواند اراده خود را بر امت و دولت اسلامی تحمیل نماید. (آقا بخشی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴) به ویژه این که در نگاه قرآن هیچ انسانی بر انسان دیگری حق ولایت و سلطه سرپرستی ندارد و تنها خداوند به‌عنوان مالک و خالق و رب انسان از چنین حقی برخوردار می‌باشد. (شورا/۹-انعام/۶۲) اگر برای انسانی حاکمیتی به‌عنوان حاکمیت طولی بیان شده است تنها در ارتباط با افرادی است که به حکم صریح و روشن سلطه داده شده و اطاعت و پیروی از آنان لازم شمرده شده است. (نساء/۵۹ و ۶۴) از این رو



قرآن ولایت‌های غیرالهی را مردود دانسته و از آن به ولایت طاغوت یاد کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۷۰-مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۴۱)

آیت‌الله خامنه‌ای در بیان استقلال سیاسی می‌فرماید: «معنایش این است که مادر زمینۀ سیاسی فریب نخوریم، و در هر موقعیتی، مراقب استقلال داخلی، منطقه‌ای و جهانی باشیم. دشمنی که هدفش این است که دولت‌ها و ملت‌ها را به دنبال خود بکشاند، به شیوه‌های مختلفی توسل می‌جوید. این جور نیست که همیشه با تهدید حرف بزنند؛ نه، گاهی هم با تملق حرف می‌زنند؛ گاهی به انسان نامه می‌نویسند که شما بیایید با ما که آمریکا هستیم مسائل جهانی را با مشارکت یکدیگر حل کنیم؛ اما باطن قضیه این نیست؛ باطن قضیه این است که او یک نقشه‌ای دارد؛ می‌گوید شما بیا در نقشه و میدانی که من ترسیم کرده‌ام بازی کن؛ نوع بازی را هم او معین می‌کند. تا آن هدفی که برای آن نقشه کشیده شده است، تحقق پیدا نکند.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

ایشان در زمینه مراقبت از استقلال سیاسی، اصرار آمریکائی‌ها به جمهوری اسلامی ایران برای همکاری در بحران سوریه را مثال زده و فرمودند: «به همین دلیل ما در مسئله سوریه و مسائل مشابه، حاضر نشدیم در ائتلاف به اصطلاح امریکایی شرکت کنیم، زیرا می‌دانستیم آن‌ها می‌خواهند از قدرت و نفوذ ما و دیگر کشورها در تحقق اهداف مورد نظرشان استفاده کنند. اینجور کارها که در ظاهر منافاتی با استقلال ندارد، در عمل به معنای پرکردن جدول کاری دشمنان است و حقیقتاً ضد استقلال است. آن‌ها یک نقشه‌ای دارند، یک هدفهایی را ترسیم کرده‌اند، مایلند به آن هدف‌ها برسند و البته مایلند که از قدرت و نیرو و نفوذ هر کشوری استفاده کنند، از جمله جمهوری اسلامی ایران. اگر جمهوری اسلامی اینجا خام شده و وارد بازی آنها بشود، معنایش این است که نقشه آنها را کامل کرده است. این خلاف استقلال است؛ این به ظاهر چیزی نیست که دولتی یا کسی بیاید



بر کشور حکومت بکند که بگوییم استقلال کشور از بین رفت اما ضد استقلال سیاسی است.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

بُعداستقلال فرهنگی

دومین بعد از شاخصه استقلال، اهمیت بی بدیل «استقلال فرهنگی» است. انقلابی بودن یعنی «انتخاب سبک زندگی ایرانی اسلامی» و «پرهیز جدی از تقلید از غرب و بیگانگان». باید توجه داشت ابزارهای جدید در فضای مجازی، ابزارهایی برای «مهندسی اطلاعات» و «تسلط غرب بر فرهنگ ملتها» است. این ابزارها می‌توانند مفید باشند اما باید سلطه دشمن را از آنها سلب، و به‌گونه‌ای عمل کرد که فضای مجازی به وسیله‌ای برای نفوذ و سلطه فرهنگی دشمن تبدیل نشود.

اسلام دینی است که بر افکار و عقاید استوار است و به همین دلیل انقلاب اسلامی، استقلال فرهنگی را بسیار مهم می‌داند. آیت‌الله خامنه‌ای در تعریف فرهنگ می‌فرماید: «فرهنگ، مثل آب و هواست. فرهنگ، یعنی همین رسوم و آداب که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ، یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی، در داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آن‌ها روبه روست. جمهوری اسلامی، فرهنگ غربی را رد کرد و گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم.

اسلام، تکلیف مسلمانان را در معاشرت، در کیفیت زندگی فردی، در خورد و خوراک، در لباس پوشیدن، در درس خواندن، در روابط با حکومت، در روابط با یکدیگر و در معاملاتشان معین کرده است. ما نمی‌خواهیم اینها را از غربیها یاد بگیریم و از آنها تقلید کنیم. جمهوری اسلامی، از اول این را نشان داد. (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶، ص ۵۱ و ۵۰) ایشان همچنین می‌فرمایند: «استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی-ایرانی انتخاب بکنیم. تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطهٔ مقابل استقلال فرهنگی است.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)



ایشان سالهاست خطر تهاجم فرهنگی غرب را گوشزد می‌کنند و تهاجم فرهنگی را: «یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی، برای رسیدن به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت است، که به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم، باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد می‌کنند؛ تعریف می‌نمایند.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۷۱/۵/۲۱) به‌عنوان مثال ایشان در بارهٔ تأثیر وسایل ارتباط جمعی جدید چنین هشدار می‌دهند: «بنده نمی‌خواهم بگویم این ابزارها را از زندگی خودمان خارج کنیم؛ نه، این‌ها ابزارهایی هستند که می‌توانند مفید واقع بشوند، اما سلطهٔ دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد. نمی‌توانید شما برای اینکه مثلاً فرض بفرمایید رادیو و تلویزیون داشته باشید، رادیو تلویزیونتان را بدهید در اختیار دشمن؛ اینترنت هم همین جور است، فضای مجازی هم همین جور است، دستگاه‌های اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی هم همین جور است، این‌ها را نمی‌شود در اختیار دشمن قرار داد؛ امروز در اختیار دشمن است؛ وسیله و ابزار نفوذ فرهنگی است؛ ابزار سلطهٔ فرهنگی دشمن است.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

بعد استقلال اقتصادی

استقلال اقتصادی به معنی خودبسندگی در رفع نیازهای اساسی و جلوگیری از سلطه کشورهای دیگر بر اقتصاد بومی است؛ که از آثار آن، عدم تأثیرپذیری گسترده از نوسانات و بحران اقتصادی در سطح جهان و ثبات ارزش پول و نداشتن اقتصاد تک محصولی است. (روزبهان، ۱۳۸۵، ص ۷) یک کشور تا وقتی از نظر اقتصادی وابسته باشد، نمی‌تواند به خوبی استقلال سیاسی و فرهنگی خود را حفظ کند. بنابراین استقلال اقتصادی نقش مهمی در حفظ استقلال و عزت یک ملت ایفا می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای استقلال اقتصادی را "هضم نشدن در هاضمهٔ اقتصاد جامعهٔ جهانی" تعریف می‌کنند و در مورد ماهیت این اقتصاد چنین توضیح می‌دهند: «آیا اقتصاد جامعهٔ جهانی یک نظم عادلانه و منطقی و عقلانی



است؟ ابتدا. اقتصادی که نقشه آن را جامعه جهانی کشیده است و مظاهر گوناگون آن در همه دنیا گسترده است، عبارت است از نقشه‌ای، و نظامی که سرمایه‌داران عمدتاً صهیونیستی و بعضاً غیر صهیونیستی برای تصرف منابع مالی همه دنیا طراحی کرده‌اند. این نظم جامعه جهانی و اقتصاد جهانی است. اینکه یک کشوری اقتصادش را ادغام کند در اقتصاد جهانی، افتخار نیست؛ این خسارت است، این ضرر است، این شکست است.» اما یک کشور چگونه می‌تواند به استقلال اقتصادی دست یابد؟» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

ایشان بارها پاسخ این سؤال را داده و فرموده اند: «استقلال اقتصادی تنها با اقتصاد مقاومتی بدست می‌آید. اقتصادی که بر پایه تولید داخلی و تعامل با دیگران بوده، تا در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.» (همان)

حساسیت در برابر دشمن

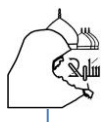
سستی در برابر دشمنی که از هر فرصتی برای ضربه زدن استفاده می‌کند باعث نابودی دین و مؤمنان خواهد بود. براین اساس است که خداوند متعال جهاد را یکی از واجبات مهم قرار داد و به پیامبرش دستور داد که بر دشمنان سخت گرفته و با آنان جهاد نماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ: ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت گیر.» (توبه/۷۳) حساسیت در برابر دشمن، چهارمین شاخصه‌ای است که آیت‌الله خامنه‌ای برای یک فرد انقلابی مطرح کردند. حساسیت در مقابل دشمن، به این معناست که همچون جبهه جنگ باید هر حرکت دشمن را رصد و تحلیل کرد، اهداف او را شناخت و با حساسیت لازم در مقابل زهر احتمالی فعالیت‌های دشمن، پادزهر آماده کرد. معظم له در تشریح این امر می‌فرمایند: «دشمن را بشناسیم، نقشه‌های او را تشخیص بدهیم، بر روی



کارهای او، حرفهای او، اظهارات او حسّاس باشیم؛ و درمقابل زهری که او احتمالاً خواهد ریخت، پادزهر فراهم بکنیم و آماده باشیم برای اینکه حرکت او را خنثی بکنیم. این، حسّاسیت در مقابل دشمن است.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

ایشان ضمن انتقاد از معدود افرادی که وجود دشمن را انکار می‌کنند و آن را توهم توطئه می‌انگارند، به ذکر مثال‌هایی از دشمنی نظام سلطه با انقلاب اسلامی و دیگر انقلابیون پرداخته، می‌فرماید: «ذات نظام سلطه اقتضا می‌کند که بانظامی مثل نظام جمهوری اسلامی دشمن باشد؛ منافعی که ۱۸۰ درجه بایکدیگر اختلاف دارد. انکار دشمنی‌های عمیق، مستمر و واضح امریکاباجمهوری اسلامی و ملت ایران، توطئه‌ای است برای کاهش حساسیت‌ها در مقابل شیطان بزرگ. زیرا خصومت امریکا با انقلاب، ذاتی است و نظام سلطه اهل خیانت است، اهل جنگ افروزی است، اهل ایجاد و سازماندهی گروه‌های تروریست است، اهل سرکوب کردن گروه‌های آزادی خواه است، اهل فشار آوردن بر مظلومی-مثل فلسطین و امثال فلسطین- است؛ این طبیعت نظام سلطه است.» (همان)

آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین دشمنی‌های استکبار، به توطئه‌هایی چون اشغال فلسطین، حمایت از کشتار مردم یمن، پشتیبانی از رژیم استبدادی شاه در ایران، کمک به صدام دیکتاتور عراق برای حمله به ایران و مانند اینها اشاره کرده و نتیجه می‌گیرند که: «هر فردی و هر جریانی که برای اسلام و به نام اسلام کار می‌کند، اگر به آمریکا اعتماد کند، خطای بزرگی مرتکب شده و سیلی‌اش را خواهد خورد؛ کما اینکه خوردند. در همین چند سال اخیر جریانهای اسلامی منطقه، به اسم «عقل سیاسی» و «تاکتیک» با امریکاییها همکاری کردند، با آن‌ها رفیق شدند، به آنها اعتماد کردند، اما اکنون چوب اعتماد به شیطان بزرگ را خوردند و حالا دارند مصیبت‌هایش را تحمّل می‌کنند. هرکسی با نام اسلام در جهت اسلام حرکت می‌کند، اگر به آمریکا اعتماد بکند، خطای بزرگی مرتکب شده. باید در مقابل دشمنان



حساس بود و در مقابل هر پیشنهاد آنها، از جمله نسخه‌های سیاسی و اقتصادی احتیاط کرد که اگر این حساسیت باشد، "عدم تبعیت" نیز به دنبال خواهد آمد که این همان "جهاد کبیراست." (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

خداوند می‌فرماید: «فَلَا تُطِيعُ الْكٰفِرِيْنَ وَ جِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا» (فرقان/۵۲) با توجه به نظر مفسران در تفسیر مرجع ضمیر "به"، به "قرآن" برمی‌گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۲۰- طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۹، ص ۲۷۹) آیت‌الله خامنه‌ای نیز با توجه به این تفاسیر می‌فرماید: «عدم‌الاطاعة شد جهاد کبیر؛ جهاد کبیر یعنی جهاد برای عدم تبعیت، برای عدم دنباله‌روی از دشمن. یعنی مسیر انقلابی، مسیر انقلابی‌گری، تعقیب راه انقلاب، تحکیم اسلام، تحکیم دین خدا. (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۶- ۱۳۹۴/۳/۶)

تقوای دینی و سیاسی

یکی از ویژگی‌های لازم برای یک انقلابی مسلمان، بی تردید، تقوای دینی و سیاسی است که آیت‌الله خامنه‌ای بعنوان پنجمین شاخص انقلابی بودن مطرح می‌نمایند. تقوای دینی یعنی تلاش و مراقبت برای تحقق همه اهدافی که اسلام برای جامعه تعیین و مطالبه کرده است. در این زمینه نباید به محاسبه صرفاً عقلانی تکیه کرد، زیرا پیگیری این اهداف، تکلیف دینی است و هر کس اسلام را از حوزه‌های اجتماعی و سیاسی جدا کند، دین مبین خدارا نشناخته است. اگر تقوای دینی حاصل شد، تقوای سیاسی نیز حاصل خواهد بود و انسان را در «لغزشگاه‌های سیاسی و مسئولیتی» حفظ خواهد کرد. ایشان این ویژگی را چنین توضیح می‌دهند: «یک تقوای فردی داریم که من و شما از گناه پرهیز کنیم، خودمان را حفظ کنیم: "قُوا اَنْفُسَكُمْ وَ اَهْلِيْكُمْ نَارًا وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ" (ترجمیم/۶) خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ این تقوای فردی است. تقوای اجتماعی-



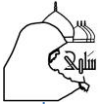
تقوای اسلامی مربوط به اجتماع-این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم.»

همچنین با نگاه وضعیت جوامع بشری می‌توان دریافت که علت بسیاری از مشکلات در حوزه عمل سیاسی و اجتماعی، فقدان تقواست. تقوای سیاسی نیاز اساسی جوامع بشری است، زیرا با فقدان تقوای سیاسی، مسئولان در مسیر سوءاستفاده از قدرت و مکنتی قرار می‌گیرند که از سوی مردم به‌عنوان امانت در اختیار ایشان نهاده شده است. اگر در جامعه‌ای، تقوای سیاسی در میان مسئولان رعایت شود، مردم جامعه نیز در مسائل دیگر، تقوای اجتماعی را در پیش می‌گیرند و جامعه به سوی امنیت و آرامش سوق داده می‌شود. (دلشادتهرانی، بی‌تا، ص ۹۹)

آیت‌الله خامنه‌ای تلاش برای تحقق مطالبات و آرمانهای اسلامی چون عدالت اجتماعی، حمایت از محرومین و مظلومین، مقابله با ظالم و مستکبر را تکلیف دینی و تقوای الهی می‌داند و اضافه می‌کنند: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء/۷۶) این‌ها دستور قرآن است. اینکه ما خودمان را و مردمان را و جوانانمان را و مسئولینمان را به احساس مسئولیت در مقابل این حرفها فرا می‌خوانیم، فقط یک توصیه عقلایی نیست، اگرچنانچه این تقوای دینی تحقق پیدا کرد، تقوای سیاسی هم همراه همین است. تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده کند، پرهیز بکند. تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده کند، پرهیز بکند.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۵/۳/۱۴)

نتیجه‌گیری

نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر تعالیم اسلام ناب محمدی(ص) است و بر هویت اسلامی خود متکی می‌باشد، که هضم شدن در نظام جهانی عملاً این هویت او را از بین خواهد برد.



آیت‌الله خامنه‌ای بارها و در مقاطع گوناگون، بر این نکته تأکید کرده‌اند که انقلاب و حرکت انقلابی باید باقی بماند. عباراتی همچون «من انقلابی‌ام»، «در مقابل جریان غیرانقلابی داخل نظام باید ایستاد» و... جملاتی هستند که همگی آن‌ها بر استمرار حرکت‌های انقلابی و دوری از محافظه‌کاری تأکید دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای، مخالفت با انقلاب و اصول انقلابی را، گاه به‌صراحت، مخالفت با اصل انقلاب دانسته، و گاه غیرمستقیم موجب مخالفت با مبانی اعتقادی انقلاب می‌شود که باید در این زمینه حساس و هوشیاری بود.

به همین منظور ایشان شاخصه‌های انقلابی بودن و انقلابی ماندن، نظیر پایبندی به مبانی و ارزشهای اساسی انقلاب؛ هدف‌گیری آرمانهای انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها، پایبندی به استقلال همه جانبه کشور، حساسیت در برابر دشمن و عدم تبعیت از او، تقوای دینی و سیاسی و... را در این زمینه، بارها مطرح کرده‌اند. بر اساس شاخصه‌های انقلابی بودن است که فضایل اخلاقی در جامعه رشد پیدا کرده و پایدار می‌شود. همچنین قرار دادن این شاخصه‌ها به‌عنوان سر لوحه و شیوه افراد انقلابی، موجب می‌شود از ایجاد دو قطبی کاذب در جامعه جلوگیری شود و خط‌کشی انقلابی بودن یا غیر انقلابی بودن به جای آن قرار می‌گیرد.

نگرانی آیت‌الله خامنه‌ای (به‌عنوان ولی امر مسلمین جهان)، در این باره، به جهت موقعیت حساس و کنونی جمهوری اسلامی ایران که الگوی جامعه جهانی، و امت‌ها و ملت‌های انقلابی، است، می‌باشد. امروزه نیروهای مذهبی و حزب‌اللهی با همه وجود در میدان هستند و هرگاه زمینه‌ای به‌وجود آید که دفاع از مرزها حتی در سرزمین همسایه هم لازم باشد، این نیروهای انقلابی هستند که در میدان حاضر و در صف اول قرار گرفته و هرگز کسانی را که نگاه اشرافی‌گرایانه و غرب‌پرستانه دارند، در این میداين مشاهده نتوان کرد. این روحیه انقلابی بودن است که موجب این شور و حرارت شده و گر نه روحیه غیر انقلابی، فاقد این حرارت است.



ضربه زدن به این قشر از جامعه، ضربه به حافظان انقلاب و استعدادهای واقعی کشور می‌باشد. پس به‌جای موضع‌گیری تضادگونه در مقابل این قشر عظیم، و روحیه "انقلابی" را مساوی با تندروی و افراطی‌گری القا کردن و نگرش‌های مبتنی بر ایستادگی در مقابل نظام سلطه را تقبیح و ضد ارزش جا انداختن، که کاملاً مغایر با روحیه انقلابی بودن و انقلابی ماندن است، دوری کرده، تا با خطر انقلاب زدایی رو به رو نشویم.



مقالات پژوهشی

و اکاوی شاخصه‌های انقلابی بودن از منظر مقام معظم رهبری



کتاب

۱. قرآن کریم: ترجمه محمد کاظم معزی، تهران، صابرین، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ ش
۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ اق
۳. ابن طاوس، علی بن موسی، کشف المحجۀ لثمرۀ المهجۀ، تهران، مرتضوی، ۱۳۴۱ ش
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، امالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۰ ش
۵. -----، من لایحضره الفقیه، تهران، صدوق، ۱۳۶۷ ش
۶. آقابخشی، علی اکبر، مینوافشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۸۹ ش
۷. بادامچیان، اسدالله، شناخت انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، دانشگاه آزاد، تهران، ۱۳۷۴ ش
۸. مردی‌ها، مرتضی، مبانی نقد فکر سیاسی، تهران نشر نی، ۱۳۸۵ ش
۹. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعۀ، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹ ش
۱۰. خمینی، روح الله، حکومت اسلامی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵ ش
۱۱. دفتر مقام معظم رهبری، حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری از ارتحال تا ربیعین امام خمینی، تهران، ۱۳۷۶ ش
۱۲. دلشادتهرانی، مصطفی، سیره پیشوایان دینی، تهران، دانشکده مجازی علوم حدیث، بی تا.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ش
۱۴. روزبهان، محمود، اقتصاد چیست، نشر آفتاب. چاپ ششم، ۱۳۸۵ ش



۱۵. زاهدی، سعید، ماضی استمراری: سلفی گری در جهان اسلام از وهابیت تا القاعده، تهران، عابد، ۱۳۹۱ ش
۱۶. سالاری سه‌دران، مریم، عباس، کاکائی باغچه‌میشه، اصولگرایی در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۹۲ ش
۱۷. سید قطب، ما چه می‌گوییم، ترجمه سیدهدادی خسروشاهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ ش
۱۸. خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۸۶ ش

۱۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ۱۳۶۰ ش
۲۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، ۱۳۷۵ ش
۲۲. گلابی، سیاوش، فرایند توسعه و نظام آموزش در جامعه ایران، تهران، میترا، ۱۳۶۸ ش
۲۳. مطهری، مرتضی، تجلی پیام، تهران، صدرا، ۱۳۶۱ ش
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش

نشریه

- نشریه حکومت اسلامی، نقش مردم در دولت اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، سال دوازدهم، ۱۳۷۸ ش

سایت

- سایت آیات‌الله خامنه‌ای

www.khamenei.ir

